برگی از تاریخ

شتر قربانی در میدان توپخانه

■ از سنت‌ها و آیین‌هایی که در تهران قدیم متداول بود مراسم شتر قربانی در روز عید قربان بود که با تشریفات خاص و جالبی برگزار می‌شد. اجرای مراسم شتر قربانی در پایتخت از این اندیشه ریشه می‌گرفت که ناصرالدین‌شاه، در اواخر سلطنت خود، خیال خلافت مسلمین بر سرش افتاده بود و در همه‌جا خود را خلیفه می‌خواند و معتقد بود که خلیفه باید رتق‌وفتق امور مذهبی ملت خویش را برعهده گیرد و یکی از این سنت‌ها، عمل قربانی در روز عید قربان بود که به مناسبت خلیفه‌گری، باید حداقل شتری را در بزرگ‌ترین میدان شهر، یعنی میدان توپخانه قربانی کند که این سنت بعد از شخص ناصرالدین‌شاه تا انقراض سلطنت قاجار همچنان پابرجا بود. رسم شتر قربانی این‌گونه آغاز می‌شد که در روز نهم ذی‌الحجه، شتری سالم بدون عیب و نقص را مورد آرایش و زینت قرار می‌دادند. دست و پایش را حنا می‌بستند و شتر را با بهترین جهازات و طاقه‌شال‌های ترمه می‌آراستند و به گردنش منگوله، زنگوله‌های تکی و ریسه‌ای آویزان می‌کردند و سرانجام در روز دهم ذی‌الحجه، شتر زبان‌بسته را از خیابان علاءالدوله به سمت میدان توپخانه به حرکت درمی‌آوردند. به دنبال شتر، شیپورچیان، طبل‌زنان و سرنازن‌ها نیز حرکت می‌کردند، با داد و جنجال مردم را با خبر کرده و تهرانی‌ها را از خانه‌هایشان بیرون می‌آوردند. نیابت سوار بر شتر برعهده شخصی بود که به وی شاه شتر قربانی می‌گفتند. وی در این روز با سمت، قیافه شاهی، کلاه نیم‌تاجدار، شمشیر مرصع، حمایل، قمه، درجه و نشان روی شتر می‌نشست و زمانی که شتر وارد میدان توپخانه می‌شد، شاه شتر قربانی از احوال مردم و مملکت با صدای بلند سوال می‌کرد و پارکابی‌هایش در جواب می‌گفتند: «مملکت در امن و امان است و ملت به دعاگویی ذات همایونی مشغول» در این میان یکی از ملتزمان با لباس سرخ از اسب پیاده می‌شد و با نیزه‌ای که در دست داشت به سمت شتر می‌رفت و نیزه را بر گلوی شتر وارد می‌کرد. به‌دنبال مرد سرخپوش بقیه ملتزمان هرکدام با خنجر، چاقو، دشنه، به شتر حمله‌ور می‌شدند. شاه دروغین را از بالا به زیر می‌آوردند و اسباب شاه شتر قربانی و شتر را غارت می‌کردند و به جان حیوان بیچاره می‌افتادند و وی را زنده‌زنده در حالی که هنوز از پا درنیامده بود، پاره‌پاره‌اش می‌کردند. گوشت شتر طبق عادت هرساله در آن روز سهم کدخدایان اصناف هفت‌گانه دارالخلافه از قبیل کدخدای قصاب‌ها، سیرابی‌پزها، دباغ‌ها، نانواها، کله‌پزها، ماست‌بندها و شماع‌ها (صابون‌پزها) می‌شد. در این میان نیز مردم از سروکول هم بالا می‌رفتند و هریک قطعه‌ای از بدن شتر را می‌بریدند و فرار می‌کردند و در نهایت این مراسم با فحش، کتک‌کاری و زدوخورد به پایان می‌رسید.

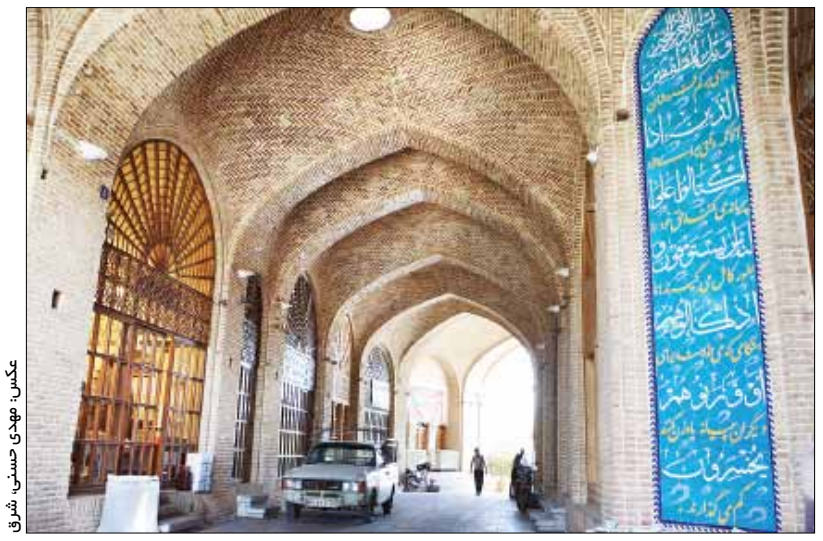

عکس: مهدی حسنی، شرق

کاروانسرای «خانات» در میدان «امین‌السلطان»

تاریخ زنده در دل تهران

فرزانه نیکروح متین

چهارراه مولوی، خیابان صاحب‌جمع، میدان امین‌السلطان. اینجا جایی است که مجموعه‌ای تاریخی و فرهنگی را بنام کاروانسرای خانات در دل خود جای داده است. کاروانسرای خانات با قدمتی بیش از یک قرن، از نخستین کاروانسراهای درون‌شهری تهران بود که به بدون هیچ‌گونه تخریب و ویرانی با مرمت و بازسازی مالکان شخصی همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. این کاروانسرا با مساحت ۱۰هزار مترمربع با الهام از معماری باغ‌های ایرانی شکل گرفته که ۵۲ حجره را در محوطه خود جای داده است، بدین‌گونه که در هر ضلع کاروانسرا، ۱۳ حجره وجود دارد که امروزه در اجاره عمده‌فروشان خشکبار است. صحن کاروانسرا همچنین دارای دو ایوان است که یکی از آنها در شرق به ورودی بزرگی راه می‌یابد و دیگری در غرب محوطه به ورودی دوم کاروانسرا می‌رسد. در دو سوی ورودی اصلی نیز حجره‌های بزرگی قرار دارند که به بازار و میدان سابق امین‌السلطان که امروزه چیزی از آن باقی نمانده منتهی می‌شوند. محمد اردهالی یکی از مالکان خصوصی کاروانسرا که مدیریت آن مکان را بر عهده دارد در مورد وجه تسمیه کاروانسرا به اسم خانات می‌گوید: «من دقیقا علت گذاشتن این اسم را نمی‌دانم، خان به معنای حجره است و خانات نیز به معنی حجرات، شاید بتوان گفت وجه تسمیه آن به دلیل وجود حجره‌های زیاد کاروانسرا باشد.»

از سرای روغنی تا کاروانسرای خانات

از تاریخ دقیق ساخت کاروانسرای خانات اطلاعی در دست نیست. در اولین نقشه تهران که به دستور ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۲ هجری قمری ترسیم شده بود، محل کنونی کاروانسرا به‌نام سرای روغنی مشخص شده است که در آن روزگار در خارج از حصار صفوی و در کنار دروازه حضرت عبدالعظیم قرار داشت. محمد اردهالی در مورد تاریخچه کاروانسرا توضیح می‌دهد: «ویژگی‌های معماری کاروانسرا نشان می‌دهد که در اواخر دوره ناصری ساخته شده است که در ابتدا در اختیار موسی‌خان امین‌الملک بود که وی در سال ۱۳۲۹ هجری قمری مصادف با سال ۱۲۸۵ خورشیدی به حاج علی اردهالی (جد محمد اردهالی) واگذار می‌شود و از آن تاریخ تاکنون این کاروانسرا در مالکیت خانواده اردهالی باقی ماند.» وی به وجود قولنامه‌ای در باب خرید کاروانسرا اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «در آن دوران القاب و اسامی اشخاص با احترام فراوانی در قولنامه ذکر می‌شد و اینکه حتما باید یکی از روحانیون امین، قولنامه را مورد تایید قرار می‌داد که در مورد قولنامه خانات، آیت‌الله قمی این کار را کرده است.» این کاروانسرا به دلیل مجاورتش در مسیر جاده ابریشم در گذشته محل اطراق مسافران با بارهایشان بود که با احداث نخستین میدان تره‌بار-امین‌السلطان- مبدل به تجارتخانه بزرگی می‌شود که تاجران با شترهای خود بارهایی از میوه، تره‌بار، خشکبار و حبوبات را از سراسر ایران برای فروش و ارایه اجناس خود به میدان می‌آوردند و برای استراحت به خانات می‌رفتند. این کاروانسرا با حجره‌ها و حیاط وسیع خود مناسب‌ترین محل برای استراحت تجار و شتربانان بود و به همین دلیل تاجران حجره‌ها را فصل به فصل اجاره می‌کردند. این مکان همچنین چرخ یابوهای معروفی داشت که هر کسی که می‌خواست چرخ کرایه کند به آنجا می‌رفت و چرخ یابوها را کرایه می‌کرد.

با ورود اتومبیل به پایتخت و از بین رفتن حیات امین‌السلطان، کاروانسرا نیز از حیات تجاری خود فاصله می‌گیرد و بیشتر به صورت انبار کالا مورد استفاده قرار می‌گیرد. اردهالی با اشاره به مرکز حیاط از وجود آب انباری در گذشته خبر می‌دهد: «در وسط حیاط خانات آب انبار بزرگی قرار داشت که اطراف آن پر از حجره بود که افراد ساکن در حجره‌ها مشغول دباغی بودند البته این فضا در فاصله سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۵ تخریب شد و امروزه محدوده آب انبار و حجره‌های دباغی را به وسیله سنگ‌هایی با حاشیه قرمز مشخص کرده‌ایم.» از اتفاقات مهمی که در این کاروانسرا رخ داد آتش‌سوزی در سال ۱۳۵۶ بود که اردهالی علت این آتش‌سوزی را وجود مواد شیمیایی در حجره‌ها می‌داند و ادامه می‌دهد: «در سال ۵۶ برخی از حجره‌ها در اختیار تاجران مواد و اقلام شیمیایی بود که متاسفانه این مساله باعث آتش‌سوزی شد اما صدمات زیادی را به کاروانسرا وارد نکرد، فقط مواد شیمیایی سقف برخی از حجره‌ها را تخریب کرد.»

مرمت و بازسازی کاروانسرا

در مهرماه سال ۱۳۸۲، کاروانسرای خانات به عنوان بخشی از تاریخ پایتخت که یادآور دوران پرشکوه رونق بازرگانی بود به پیشنهاد سازمان میراث فرهنگی در آثار ملی به ثبت رسید و مرمت و بازسازی کاروانسرا با پیشنهاد خانواده اردهالی و اعتبار شخصی تحت حمایت شهرداری منطقه ۱۲ و سازمان میراث فرهنگی در اواخر خرداد ۱۳۸۲ آغاز و در اسفند ۱۳۸۷ به انجام رسید. اردهالی در زمینه مرمت و بازسازی بنا با هزینه شخصی خانواده‌شان توضیح می‌دهد: «هیچ‌گاه من و سایر مالکان به فکر فروش یا تخریب کاروانسرا نبودیم در صورتی که می‌توانستیم با تخریب اینجا، پاساژ پنج طبقه بسازیم، اما به دلیل علاقه‌ای که به هویت شهری تهران داشتیم و داریم از منافع و سود مالی گذشتیم چراکه همه چیز، پول نیست و ما با هزینه شخصی خودمان این کاروانسرا را مورد بازسازی قرار دادیم.» وی در پاسخ به اینکه بعد از بازسازی کاروانسرا، آیا این مکان گردشگر و بازدیدکننده دارد گفت: «بعد از ثبت جهانی نوروز در سال ۱۳۸۸ با همکاری سازمان میراث فرهنگی و شهرداری منطقه ۱۲، برای نخستین بار جشن ملی عید نوروز به مدت دو سال (سال‌های ۸۹ و ۹۰) در این کاروانسرا برپا شد.

شهرداری به کاروانسرا خانات خیلی لطف داشته و تورهای گردشگری را برای بازدید به این مکان می‌آورند.» اردهالی همچنین از بازگشایی سفره‌خانه‌ای به شکل و شمایل سنتی و قدیمی در یکی از سالن‌های کاروانسرای خانات خبر داد و گفت: «بعد از بازسازی کاروانسرا، تصمیم گرفتیم که سفره‌خانه‌ای به سبک و سیاق قدیم در این مکان برپا کنیم. قصدمان این است که در سفره‌خانه، برنامه‌های قصه‌گویی و نقالی داشته باشیم و فرهنگ و هویت‌مان را زنده نگه‌داریم. برای گچبری‌ها و تزیینات سقف، گچکار از اصفهان آوردیم تا حال و هوای گذشته زنده شود و هدف‌مان این است که هر ایرانی که وارد فضای سفره‌خانه می‌شود احساس غرور ملی کند.» این سفره‌خانه که مراحل آخر بهره‌برداری خود را سپری می‌کند در نیمه شعبان یا عید فطر افتتاح می‌شود.

مشکل اصلی خانات: ورودی کاروانسرا

اردهالی ورودی آشفته و به هم ریخته کاروانسرای خانات در میدان امین‌السلطان را از مشکلات اصلی این مجموعه تاریخی می‌داند: «ضعف خانات ورودی نابه‌سامان آن است که بازدیدکننده ناگهان از یک فضای آشفته وارد یک مکان نوستالژیک و آرام می‌شود. اگر بتوان سطح زمین ورودی را سنگفرش کرد و از هیاهوی میدان کاسته شود، فکر نمی‌کنم کاروانسرا مشکل دیگری داشته باشد.» او در مورد درب ورودی کاروانسرا می‌گوید: «از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این مکان در چوبی آن به ارتفاع ۵/۵ متر است که از چوب چنار ساخته شده و در به این بزرگی فقط روی چهل گل میخ باز و بسته می‌شود و هیچ لولایی در آن به‌کار نرفته است که نشان‌دهنده هنر معماری اسلامی است.» در حاشیه این در عظیم، کاشیکاری‌های زیبایی از رهنمودهای حضرت علی(ع) در مورد آداب خرید و فروش به چشم می‌خورد که اردهالی در باب فلسفه این نوع کاشیکاری پاسخ می‌دهد: «در دوران‌های قدیم در چهار سوی بزرگ و کوچک، روحانیونی بودند که به سوالات تاجران در زمینه کسب و کار بر طبق آیه‌های قرآن پاسخ می‌دادند و من با الهام از این قضیه، فرمایشات حضرت علی(ع) را در رابطه با مکاسب روی کاشی‌ها به نقش در آوردم.»

لاله‌زار

پل چوبی؛ اتصال تهران قدیم به تهران مدرن

■ حتما نام محله پل‌چوبی را بارها شنیده‌اید یا حتی از حوالی آن گذر کرده‌اید اما شاید وجه تسمیه این محل را به نام پل چوبی ندانید. پل چوبی در گذشته‌های دور، محل اتصال بین تهران قدیم و تهران مدرنی که امروزه می‌شناسیم، بود یا به عبارتی بهتر است بگوییم پل چوبی، معبری بر خندق شمالی مابین دارالخلافه ناصری و ییلاقات شمیران بود. تاریخچه ساخت و نامگذاری این محل به‌دوران زمامداری ناصرالدین شاه بازمی‌گردد. یکی از دروازه‌های خارج از دارالخلافه، دروازه شمیران بود که مدخل خیابان نظامیه (از سرچشمه به سمت شمال و کمی بالاتر از میدان بهارستان) قرار داشت و چون در اطراف این دروازه خندق‌های پرآبی برای دفاع از شهر به سبک دوران صفویان ساخته شده بود، برای تهرانی‌ها عبور و مرور از این خندق غیرممکن بود. در نتیجه حکومت روزها روی خندق یا کانال برای خروج دارالخلافه‌نشینان به قصد رفتن به زمین‌های کشاورزی، مزارع، باغات، شمیرانات و اطراف تهران از پل چوبی بزرگی که در واقع یک تخته چوبی بود، استفاده می‌کردند و تخته را روی خندق قرار می‌دادند و یک‌ساعت به غروب مانده این پل را برمی‌داشتند تا اوباش وارد پایتخت نشوند. با روی کار آمدن پهلوی اول، این خندق مانند خندق‌های دیگر اطراف تهران پر شد و روی آن خیابان وسیعی به سبک خیابان‌های فرنگی ساخته شد، نام خیابان را رضاخان به اسم خود «شاهرضا» (خیابان انقلاب اسلامی) گذاشت. امروز دیگر در آن مکان نه از دروازه اثری باقی‌مانده و نه از خندق، تنها چیزی که باقی‌مانده، محله‌ای به نام پل چوبی است. این محله تا ده‌ها سال بورس بازار چوب‌فروش‌ها و پهنه نجاری‌ها بود که طی سالیان اخیر با مدیریت شهرداری تهران کارگاه‌ها به حاشیه جنوب شرقی در جاده خاوران انتقال یافت و تنها چند مغازه چوب‌فروشی در آن محل باقی مانده که آنها هم در شرف انتقال‌اند.

فرم درخواست اشتراک روزنامه شرق در تهران

کلیه متقاضیان محترم می‌توانند هزینه اشتراک خود را براساس مبالغ مندرج در جدول ذیل به شماره حساب ۶۸۶۸۹۵ نزد بانک سپه شعبه میرزا کوچک‌خان (قابل پرداخت در کلیه شعب) به نام محمدامیر مظاهری واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده ذیل به یکی از سه طریق زیر به دفتر امور مشترکین تحویل فرمایند.

۱- تماس با شماره تلفن‌های ۳۲- ۸۸۸۱۴۲۳۰ جهت اعزام مامور برای دریافت مدارک.

۲- مراجعه به آدرس دفتر واقع در خیابان میرزای شیرازی - نبش کوچه نهم- پلاک ۴۹- طبقه فوقانی بانک سپه

۳- ارسال از طریق دورنگار به شماره ۸۸۸۴۱۲۷۹

شرایط اشتراک

۱- ساعت تحویل روزنامه ۵ صبح الی ۱۱ صبح می‌باشد.

۲- شروع ارسال روزنامه برای متقاضیان که درخواست خود را به صورت کامل تحویل داده‌اند، حداکثر ۱۵ روز بعد از تحویل مدارک خواهد بود.

۳- مبالغ مندرج در جدول بابت یک نسخه اشتراک می‌باشد.

۴- نوشتن کد پستی و شماره تلفن در فرم ضروری می‌باشد.

۵- در صورت عدم دریافت روزنامه مراتب را به امور مشترکین اطلاع دهید، در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می‌شود.

توجه: لطفا کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگه دارید.

مدت	۱ ماهه	۳ ماهه	۶ ماهه	۱۲ ماهه
قیمت (ریال)	۳۶۰/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰	۱/۹۵۰/۰۰۰	۳/۷۰۰/۰۰۰

رسید دریافت فیش یا وجه نقد

بدین‌وسیله ..... ریال وجه نقد ☐ فیش ☐ چک ☐ بشرح زیر جهت اشتراک ..... نسخه روزنامه شرق

به مدت ..... ماه از مشترک شماره ..... به نام ..... دریافت نمودم.

نحوه پرداخت	شماره فیش/چک	تاریخ	نام بانک	نام شعبه	کد شعبه	مبلغ

نام و نام خانوادگی دریافت کننده: ..... امضاء دریافت کننده: .....

توجه: لطفا نحوه مطلوب دریافت روزنامه را اعلام دارید:

مدت اشتراک: ۱ماهه ☐ ۳ماهه ☐ ۶ماهه ☐ ۱۲ماهه ☐ کد اشتراک ..... تعداد نسخ اشتراک .....

مشخصات متقاضی

نام: ..... نام‌خانوادگی: ..... نام موسسه: .....

آدرس دقیق: .....

کدپستی: ..... تلفن: ..... نمابر: .....

امضای متقاضی:

جدول ۱۵۳۵

افقی:

۱- خوش رفتاری با خلق- اثر «جان کیتز» ۲- بی‌فایده- شیرینی رمضان- نوعی بیماری پوستی ۳- زرشک- نشانی- فراموشکار ۴- پروردگار- مخترع ماشین بخار- ضمیر اشاره- غیرمناسب ۵- حاشا نمودن- باران منجمد ۶- جمع نکته- خشک است و بسیار جدی- هدهد ۷- بی‌خبر از دنیا- هواپیما- نمازهای مستحبی ۸- شهری در سودان- خوشبختی- کتاب داستان ۹- طایفه‌ای در عصر هخامنش- نگهبان چماق به دست- یکی از القاب اروپایی ۱۰- جمع فن- نامی پسر خارجی- ناامید ۱۱- آرامگاه- در این مکان ۱۲- ناپسند شرعی- از بت‌های معروف جاهلیت- اندازه دست- از الفبای انگلیسی ۱۳- نوعی ناهنجاری کوروموزومی- از سیارات- پهلوان اسطوره‌ای ۱۴- بهره وام- مکتب ادبی هنر برای هنر در فرانسه- اسطوره هندی ۱۵- رمانی نوشته شارلوت برونته- سازنده ماشین آلات

عمودی:

۱- فعلی که به زبان حال یا آینده دلالت کند- تباه‌کننده- درجه‌بندی شده ۲- جیره و مواجب- جمع ناسک- استخوانی در گوش ۳- صومعه- کشف کردن- جاری ۴- یاری کردن- هدایت‌گر ۵- گوسفند جنگی- از مواد دفعی بدن- عدد ارشمیدس ۶- از حروف اضافه- رمانی از آنتول فرانس- غرزدن- خزنده خوش خط و خال ۷- جایز- قالب شعر خیام- نقاش و گراور ساز آلمانی ۸- شب بلند- جملگی- مخفف دین من ۹- نفت دریای شمال- تحفه‌ها- تربت ۱۰- فرمان سکوت- گفت‌وگوی خودمانی- پایتخت ژاپن- پسوند شباهت ۱۱- نشانه مفعولی- امپراتور دیوانه روم باستان- ستاره ۱۲- شهری در هند- خدمت سربازی ۱۳- ویران- از گل‌های زیبا- حشره خونخوار ۱۴- کاخ فرانسه- استان ادب‌پرور ایران- کار نسنجیده ۱۵- بهره- کشور گل‌ها- ماه هفتم سریانی

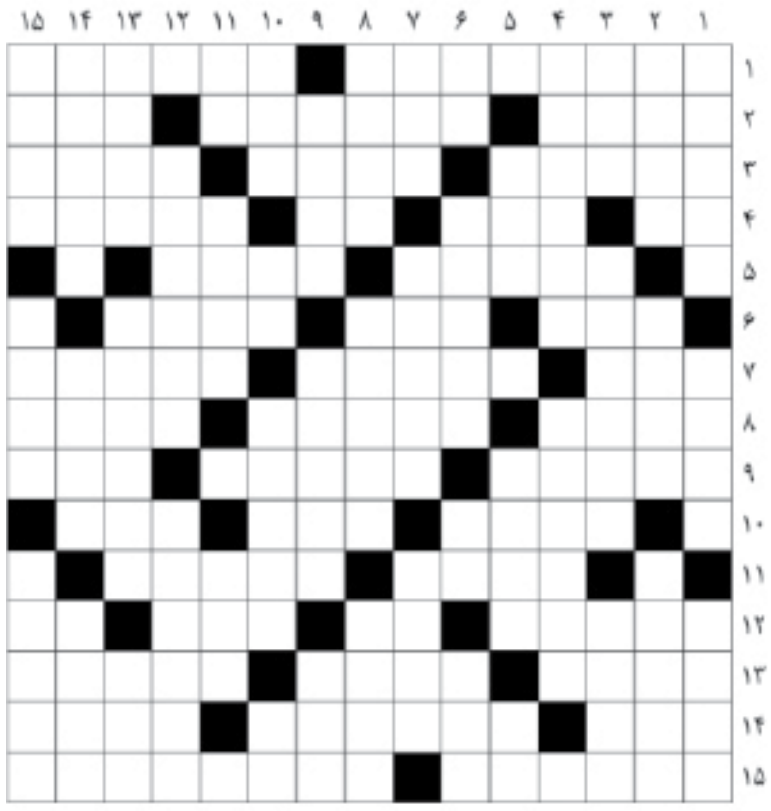

حل جدول ۱۵۳۴

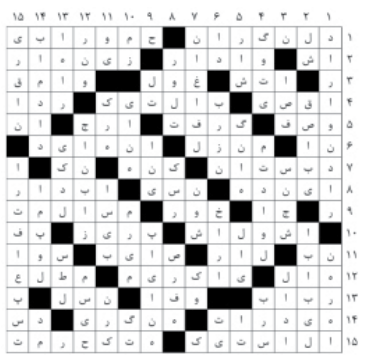

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۵۳۹

۲	۶			۷		۸	۴	
۹	۷	۴		۶			۳	
۳	۸			۴	۹	۲		
	۱		۶	۲			۹	۸
۴			۷				۵	۳
	۵		۳	۹	۴			۲
۵		۶		۱				
۱						۳	۸	
	۴	۷		۳		۹		۵

حل سودوکو ۵۳۸

۵	۳	۷	۱	۴	۲	۸	۶	۹
۹	۶	۲	۵	۸	۳	۴	۱	۷
۱	۸	۴	۷	۹	۶	۳	۲	۵
۷	۵	۸	۳	۲	۱	۹	۴	۶
۲	۱	۶	۴	۷	۹	۵	۸	۳
۴	۹	۳	۸	۶	۵	۲	۷	۱
۳	۲	۹	۶	۱	۴	۷	۵	۸
۸	۴	۱	۹	۵	۷	۶	۳	۲
۶	۷	۵	۲	۳	۸	۱	۹	۴

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۱۸۹

			۱				۳	۲
۳	۱					۴	۵	
	۴						۹	
۸	۲					۵	۶	
	۷	۱	۹					
۶						۷		۹
			۸			۲	۷	۳
۹	۸		۵			۱		
				۶	۲		۸	

حل سودوکو سخت

۵	۷	۶	۱	۴	۲	۸	۳	۹
۹	۱	۳	۶	۸	۵	۴	۲	۷
۴	۲	۸	۹	۳	۷	۱	۶	۵
۶	۸	۱	۷	۲	۴	۵	۹	۳
۳	۵	۷	۸	۹	۱	۶	۴	۲
۲	۹	۴	۳	۶	۵	۷	۸	۱
۷	۶	۲	۴	۱	۸	۹	۵	۳
۸	۳	۵	۲	۷	۹	۱	۴	۶
۱	۴	۹	۵	۲	۳	۸	۷	۶